

# نیچ نگاهی به آسیب‌شناسی خانواده

محمدرضا ضمیری

موازات اشتغال زنان در خارج از خانه، خانواده و اعضای آن از غیبت زن و خلأ وجودی او دچار آسیب و عوارض منفی می‌شوند.

اشتغال زنان یکی از عوامل آسیب‌زا است که امروزه خانواده را متأثر نموده. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که جامعه در حال گذار چه مشکلات و آسیب‌هایی برای خانواده پدید آورده است؟ و از منظر دین مبین اسلام، چه راه‌حلهایی برای جبران و رفع این مشکلات وجود دارد؟ پیش از پرداختن به پاسخ دو سؤال مزبور، لازم است واژگان کلیدی این پژوهش به دقت مورد بررسی قرار گیرد. در این مقال چهار مفهوم کلیدی توضیح داده می‌شود تا قلمرو و ابعاد بحث روشن گردد و از هرگونه بیش دآوری و خلط بحث جلوگیری شود.

## ۲. بررسی واژگان محوری

### ۲-۱. آسیب‌شناسی اجتماعی<sup>(۱)</sup>

مفهوم «آسیب‌شناسی» نخست در مباحث پزشکی، برای شناسایی امراض و بیماری‌های مربوط به اعضای بدن و بافت‌هایش و درمان آن امراض به کار می‌رفت و سپس

نهادهای اجتماعی هر یک برای برآوردن نیازی از نیازهای اساسی بشر پدید آمده‌اند. نهاد خانواده نیز در پی سامان بخشیدن به نیازهای جنسی و تولید نسل و سکونت و آرامش روحی است. اما با این وصف، نهاد خانواده در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی اشکال و صور متنوعی می‌یابد، روابط اعضای خانواده را دگرگون می‌کند و کارکردهای آن را به چالش می‌کشانند.

در جوامع سنتی، که تغییرات اجتماعی آهنگ کندی داشت، بیشترین آسیب‌های اجتماعی از اعضای خانواده ناشی می‌شد؛ اما در جوامع صنعتی و نوین امروزی، که دگرگونی‌های اجتماعی بسی شتاب یافته و جوامع را در «حال گذار» پیوسته قرار داده، وضع به گونه دیگری است؛ زیرا بسیاری از تحولات و تغییرات اجتماعی تأثیر عمیقی در نهاد خانواده بر جای می‌گذارد و از این رهگذر، خانواده نیز در معرض آسیب قرار می‌گیرد. امروزه مسئله «اشتغال و استقلال مالی» برای زنان از اهمیت فراوانی برخوردار است. کارخانه‌ها، شرکت‌ها و بیمارستان‌ها، آموزش و پرورش و دیگر بنگاه‌های اشتغالزا ترجیح می‌دهند در برخی بخش‌ها، برای پیشبرد مأموریت‌ها و وظایف خود از زنان استفاده کنند؛ اما به



توسط دورکیم در مباحث «جامعه‌شناسی انحرافات» به کار رفت. در فرهنگ جامعه‌شناسی چنین آمده است: «این مفهوم قرن نوزدهمی مبتنی است بر تشابهی که بین بیماری‌های عضوی یا مرض‌شناسی و انحرافات اجتماعی قایل بوده‌اند. در بحث! دورکیم از جرایم و خودکشی، آسیب‌شناسی اجتماعی پیش از آنکه امری مربوط به انحرافات افراد تلقی شود، بر اساس در نظر گرفتن فرق شرایط بهنجار و نابهنجار اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. به علاوه، دورکیم مدعی است که این فرق دارای عینیت است، مبتنی بر داوری اخلاقی نیست و آسیب‌شناسی اجتماعی را می‌توان به طور علمی سنجید و مورد آزمایش قرار داد. متأسفانه کاربرد این مفهوم از طرف دورکیم، مبهم است. وی آسیب‌شناسی اجتماعی را صرفاً یکی از وجوه بهنجار بودن شرایط جامعه به حساب می‌آورد.»<sup>(۲)</sup>

## ۲-۲. نهاد اجتماعی<sup>(۳)</sup>

«نهاد اجتماعی» عبارت است از: شبکه روابط اجتماعی پایداری که برای برآورده شدن یک نیاز اساسی بشر شکل گرفته باشد.

آنتونی گیدنز در تعریف «نهاد اجتماعی» می‌گوید: «شیوه‌های اساسی فعالیت اجتماعی که اکثریت اعضای یک جامعه معین از آنها پی‌روی می‌کنند. نهادها شامل هنجارها و ارزش‌هایی هستند که بسیاری از مردم با آنها هم‌نواپی می‌کنند. همه شیوه‌های رفتار نهادی شده به وسیله ضمانت‌های اجرایی نیرومند حمایت می‌شوند. نهادها اساس یک جامعه را تشکیل می‌دهند؛ زیرا شیوه‌های نسبتاً ثابت رفتار را، که در طول زمان پایدار می‌ماند، ارائه می‌کنند.»<sup>(۴)</sup>

## ۳-۲. خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که هسته اولیه زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد و از دیدگاه کارکردی، روابط خویشاوندی و خانوادگی ضرورت‌های اساسی مربوط به بقا را برآورده می‌کنند. این ضرورت‌ها عبارتند از:

۱. تنظیم روابط جنسی و مقاربتی؛
۲. فراهم ساختن حمایت زیستی از هر یک از اعضای جامعه، به ویژه نوزادان و کودکان که آینده‌سازان جامعه‌اند.
۳. ایجاد واحد باثباتی از جامعه‌پذیری، به نحوی که کودکان بتوانند فرهنگ و مهارت‌های بازی نقش را، که برای زندگی بزرگ‌سالی اساسی است، کسب کنند.
۴. تأمین فضایی از حمایت اجتماعی مساوی برای

## کودکان و بزرگسالان؛

۵. تنظیم و روشمند ساختن جان‌گیری بزرگسالان جوان در موقعیت‌های حیاتی تولیدی (اقتصادی) و بازآوری زایمان و تربیت بچه در جامعه.<sup>(۵)</sup>

خانواده به دو نوع «هسته‌ای» و «گسترده» تقسیم می‌شود. مقصود از خانواده «هسته‌ای» خانواده‌ای است که از پدر و مادر و فرزندان تشکیل شده است. ولی خانواده «گسترده» خانواده‌ای است که در آن، علاوه بر پدر و مادر و فرزندان، پدر بزرگ، مادر بزرگ، عمه، خاله، دایی و عمو و فرزندان آنها حضور دارند.

در جوامع سنتی، الگوی خانواده «گسترده» غلبه دارد؛ زیرا همبستگی طایفه‌ای و قبیله‌ای بسیار مستحکم است و تجمع افراد خانواده علاوه بر مشارکت در امر تولید و کشاورزی، ساز و کاری برای دفاع اجتماعی از خطرات طبیعت و جنگ و تهدیدها به شمار می‌رود.

ولی در جوامع معاصر و صنعتی، بیشتر الگوی خانواده «هسته‌ای» و با جمعیت کم شیوع دارد و ارتباط و روابط خانوادگی در این نوع خانواده بسیار رنگ باخته و آنها از حمایت گسترده فامیل و طایفه کمتر برخوردارند. (در این مقاله، عمدتاً خانواده «هسته‌ای» مدنظر است.)

## ۴-۲. جهان معاصر

شناخت ویژگی‌های جهان معاصر ما را با واقعیات زندگی اجتماعی - که گیدنز از آن به «جهانی شدن زندگی اجتماعی» یاد می‌کند - و تأثیرات آن بر خانواده و آسیب‌های آن بیشتر آشنا می‌سازد. به طور فشرده، می‌توان به چند ویژگی شاخص جهان معاصر اشاره کرد:

۱. ناهمگرایی میان کشورهای غنی و فقیر؛
  ۲. جهانی شدن رسانه‌های جمعی؛
  ۳. تحولات سریع و شتابان؛
  ۴. جهانی شدن اقتصاد و تجارت جهانی؛
  ۵. عصر سلطه و استعمار؛
  ۶. تورم گسترده و بحران‌زا؛
  ۷. مسابقه تسلیحاتی؛
  ۸. بحران انرژی و مواد اولیه؛
  ۹. رشد دین‌گرایی؛
  ۱۰. هسته‌ای شدن خانواده؛
  ۱۱. نهضت دفاع از حقوق زنان؛
  ۱۲. مرحله گذار از مدرنیسم به پست مدرنیسم.
- آشنایی با شاخص‌های مزبور و توجه به میزان تأثیر آنها



در نهاد خانواده، چشم‌اندازی را پیش روی ما می‌گشاید که همه مشکلات و نابهنجاری‌ها را معلول ارتباط درونی اعضای خانواده ندانیم و با وسعت بینش و نظر، از دخالت خودآگاه و ناخودآگاه چنین عواملی چشم‌پوشی ننماییم. پس از بررسی مفاهیم بحث، آسیب‌های اجتماعی، که در جوامع معاصر و در حال گذرا وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۳. افسردگی

یکی از آسیب‌هایی که منشأ اجتماعی دارد، «افسردگی» است. این بیماری روحی، که واکنش طبیعی در مقابل فشارهای زندگی است، در زنان بیش از مردان پدید می‌آید. در تعریف «افسردگی» می‌گویند: «افسردگی نوعی نابهنجاری خلقی یا عاطفی است که طیف‌های پایین آن را افراد عادی نیز بعضی مواقع، تجربه می‌کنند. خود ما بعضی وقت‌ها احساس غم و ملامت می‌کنیم و حاضر نیستیم به هیچ کاری حتی کارهای لذت‌بخش دست بزنیم.» (۶)

### ۱-۳. نشانه‌های افسردگی

افسردگی دارای علائم و نشانه‌هایی است که طبق آن، فرد از همه چیز ناامید شده، غم و غصه‌ای بر دل او چیره می‌شود. او احساس وحشت می‌کند و از تصمیم‌گرفتن برای زندگی خود عاجز مانده است و هر گاه می‌خواهد کاری انجام دهد، در خود صلاحیت و کفایت لازم احساس نمی‌کند. یکی از نشانه‌های بسیار خطرناک افسردگی این است که فرد آنچنان از همه کس و همه چیز ناامید می‌شود که به فکر خودکشی و خودزنی می‌افتد و یا، دست‌کم، بسیار گریه می‌کند.

به طور کلی، برای افسردگی ۱۲ نشانه برشمرده‌اند:

۱. خلق و روحیه افسرده؛
۲. عصبانیت و بی‌حوصلگی (عدم تحمل دیگران حتی نزدیکان)؛
۳. بی‌علاقگی و لذت نبردن از فعالیت‌های تفریحی؛
۴. کاهش انرژی یا بی‌قراری؛
۵. بی‌اشتهایی؛
۶. کاهش شدید وزن؛
۷. بی‌خوابی (دیدن کابوس در خواب، خواب بریده)؛
۸. کاهش قوای ذهنی (عدم تمرکز حواس، فراموشی، عدم قدرت تصمیم‌گیری، عدم قدرت سریع پاسخ‌گویی)؛
۹. کاهش میل جنسی؛
۱۰. احساس بی‌ارزشی و گناه (احساس گناه، مهم ندانستن خود)؛

۱۱. احساس ناامیدی و فکر خودکشی؛

۱۲. علائم و دردهای جسمانی (سر درد، کمردرد، سرگیجه، یبوست، بی‌حسی عضلانی، لرزش اندام). (۷)  
انجمن روان‌پزشکی آمریکا سه دسته از اختلالات افسردگی را طبقه‌بندی کرده است:

الف. افسردگی اساسی؛ (۸)

ب. افسردگی خویی؛ (۹)

ج. افسردگی غیر از دو نوع قبلی.

در نوع اول، یک یا چند دوره اساسی (دست‌کم دو هفته خلق افسرده یا از دست دادن علاقه، به اضافه علائم دیگر افسردگی) وجود دارد، اما نوع دوم دست‌کم دو سال خلق افسرده در بیشتر اوقات روز همراه با سایر علامت‌ها مشاهده می‌شود.



### ۲-۳. رابطه خانواده و افسردگی

گاهی فشارهای اقتصادی و اجتماعی و یا فقدان والدین یا فرزندان، موجب افسردگی شدید روحی و روانی فرد می‌شود و روابط خانوادگی را دچار اختلال می‌کند و بر اساس مطالعات همایشی، میان وضعیت خانوادگی و افسردگی فرد همبستگی وجود دارد.

براون و همکاران (۱۹۷۸) میزان آسیب‌پذیری در مقابل افسردگی را به عنوان بخشی از عوامل مرتبط با خانواده می‌دانند. طبق تحقیق آنان، زنانی که دارای سه یا بیش از سه کودک زیر چهار سال در خانه هستند، اعتماد و اطمینان خود



را برای برقراری ارتباط صحیح با شوهر از دست می‌دهند و حتی مطمئن نیستند بتوانند دوستان دوران خردسالی و قبلی خود را به اندازه لازم ملاقات کنند. این‌گونه زن‌ها و زنانی که مادر خود را پیش از ۱۱ سالگی از دست داده‌اند، بیش از مردم دیگر برای افسردگی مستعد هستند.<sup>(۱۰)</sup>

البته ناگفته نماند که کودکان نیز در برخی مواقع دچار افسردگی می‌شوند. کودکانی که با کمبود مراقبت و مهرورزی و یا طرد شدن از سوی والدین مواجه می‌شوند و یا فقدان وجدانی والدین و ستیزه‌های خانوادگی را تجربه می‌کنند بیشتر در معرض نوعی افسردگی و فشار روانی قرار می‌گیرند.

### ۳-۳. علل افسردگی

معمولاً آسیب‌شناسان سه علت زیستی، اجتماعی و روانی برای افسردگی ذکر کرده‌اند.

#### ۱-۳-۳. زیستی

مقصود از علل زیستی عواملی است که از طریق وراثت، از والدین به فرزندان منتقل می‌شود که در این صورت، لازم است افرادی که در خانواده‌شان چنین سابقه‌ای وجود دارد یا مراجعه به روان‌پزشک، برای مشکلات خود راه‌های علاجی پیدا کنند و موضوع را با آنها در میان بگذارند.

عوامل دیگر زیستی شامل هرگونه آسیب به مغز در حالات جنینی در رحم مادر یا در حین زایمان و پس از تولد می‌شود. آسیب به مغز می‌تواند به شکل ضربه فیزیکی و یا به شکل هرگونه بیماری مغزی - مثلاً، تومور یا عفونت - باشد. در متون پزشکی، برخی همه‌گیری‌های ویروسی گزارش شده است که گروه زیادی از افراد همزمان دچار سلسله‌ای از علائم از جمله افسردگی شده‌اند. برخی بیماری‌های جسمی و داخلی همچون کم‌کاری غده تیروئید یا بیماری پارکینسون یا سکته قلبی و مغزی و اسکروزومولتی پل نیز می‌توانند خود را به شکل افسردگی نشان دهند.<sup>(۱۱)</sup>

#### ۲-۳-۳. اجتماعی

عامل اجتماعی افسردگی معمولاً به وضعیت فرد در مقاطع گوناگون زندگی از کودکی و جوانی و پیری و تحولات زندگی مربوط می‌شود. چنانچه کودک در محیطی گرم و با صمیمیت رشد کند که پدر و مادرش ضمن داشتن درآمد مناسب، از تفاهم نسبی برخوردار باشند و ارزش‌های اخلاقی و دینی بر زندگی آنان حاکم باشد، به احتمال قوی، کمتر دچار بیماری روانی و افسردگی می‌شود و اعتماد به نفس پیدا می‌کند. ولی

در مقابل، کودکی که در خانواده پرجمعیت رشد می‌کند و یا در خانواده‌ای که انواع نابسامانی‌ها و ستیزه‌های خانوادگی وجود دارد و یا در سنین حساس نوجوانی، والدین را از دست بدهد، به احتمال زیاد، دچار افسردگی می‌شود.

محیط مدرسه و کار، مهاجرت و جابه‌جایی و نابسامانی‌های اقتصادی و تورم شدید می‌تواند افراد را به افسردگی مبتلا سازد.

امروزه در جامعه ما، که به سرعت مردم به سوی تجملات و کالاهای شیک و مصرف‌گرایی مفرط تمایل پیدا می‌کنند، به دلیل آنکه خانواده‌ها نمی‌توانند خود را با تغییرات سریع و شتابان مصرف‌گرایی منطبق نمایند، زیاد دچار افسردگی می‌شوند.

#### ۳-۳-۳. روان‌شناختی

این عامل شاید مهم‌ترین عامل افسردگی باشد؛ زیرا سایر عوامل از طریق این عامل اثر خود را بر جای می‌گذارند. چنانچه فرد همیشه نگرش منفی و بدبینانه‌ای به خود، زندگی و اطرافیانش داشته باشد، به زودی در دام افسردگی می‌افتد. از سوی دیگر، هر کس باید توانمندی‌های خود را بشناسد و به همان میزان، بر داشته‌های خود تکیه کند و بر اساس شناختی که از محیط دارد و ضمیمه نمودن توان و قدرت درونی، به انجام رفتار اقدام نماید. اما اگر فرد اتکا به نفس<sup>(۱۲)</sup> نداشته باشد و همیشه خود را حقیر و ناتوان‌تر از دیگران بیندارد، به زودی در گرداب مرگبار افسردگی فرو خواهد رفت. روشن است که وجود باورها و اعتقادات نادرست، نگرش‌های بیمارگونه و حاکمیت جبر بر روان منجر به بروز رفتار بیمارگونه می‌گردد. وجود تضاد بین اعتقاد و رفتار و یا بین نگرش و رفتار، تعادل روانی انسان را خدشه‌دار می‌سازد. از منظر الگوهای شناختی، که در شناخت و درمان افسردگی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است، وجود باورهای غلط در ذهن، انسان را گرفتار این بیماری می‌کند و اصلاح این باورها در فرایند شناخت درمانی محور درمان به شمار می‌رود.<sup>(۱۳)</sup>

#### ۴-۳. درمان افسردگی

معمولاً سه راه عمده برای درمان افسردگی پیشنهاد می‌شود:

#### ۱-۴-۳. درمان فیزیکی

از سی سال پیش تاکنون، داروهای برای درمان افسردگی به بیماران توصیه شده که عبارتند از: «ایمی پرامین»، «آمی



تراپیتیلین» و مهارکنندگان آنزیم و مونوآمین اکسیداز قبیل: «ترانیل سیپرومین» و «فلرین» البته داروهای مزبور عوارض جانبی فراوانی بر بیمار دارد، ولی امروزه داروی جدیدی توصیه می‌شود که مصرف یک تا دو قرص آنها در روز کافی است. این داروی جدید «SSRI,S» نام دارد و شامل فلوئوکستین پاروکستین، سرتالین و فلووکسامین است. گاه شوک برقی نیز برای کسانی که مبتلا به افسردگی شدید باشند توصیه شده است.<sup>(۱۴)</sup>

لازم به ذکر است که دارو برای افرادی توصیه می‌شود که با روان درمانی معالجه نشوند، اما امروزه مشاوران

الف. اولاً، باید دانست که مشکلات زندگی نوعی امتحان الهی است، و در صورت مقاومت و تحمل در برابر آنها، پاداش عظیمی در انتظار فرد است. این مشکلات برای همه انسان‌ها پیش می‌آید و منحصر به فرد نیست؛ ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵)

ب. ثانیاً، حوادثی که گریبانگیر فرد می‌شود، حاصل عمل خود اوست و نباید دیگران را در این زمینه مقصر دانست؛ ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَمِمَّا كَسَبْتُمْ أُنذِرْكُمْ وَ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ (شوری: ۳۰)



روان‌شناس از طریق روان‌شناسی بالینی و گفتاردرمانی و القای اعتماد به نفس و آماده‌سازی روح و روان آسیب دیده برای مقابله و یا فراموشی فشارهای روانی، تأثیر بیشتری بر بیمار می‌گذارند که عوارض جانبی مصرف دارو را هم به دنبال نخواهد داشت.

پس انسان در برخورد با مشکلات و نابسامانی‌ها، ابتدا باید بداند که این مشکلات ناشی از رفتار نسنجیده خود اوست و دیگران در این خصوص نقش اصلی ندارند، و دیگر اینکه این مشکلات وسیله آزمایش الهی است و او می‌تواند با نیروی صبر بر آنها غلبه کند و نباید با تفکرات و وساوس شیطانی روحیه خود را از دست بدهد.

### ۳-۴-۲. شناخت درمانی<sup>(۱۵)</sup>

در دهه ۱۹۸۰ گروهی از روان‌پزشکان و روان‌شناسان برای شناخت و درک بهتر افسردگی، رویکرد جدیدی ابداع کردند و آن «شناخت درمانی» بود. کار اساسی آن توسط پرفسور اتی بک و همکارانش در دانشکده پزشکی دانشگاه «پنسیلوانیا» انجام گرفت و از آن زمان تاکنون بسیاری از پزشکان آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

### ۳-۴-۳. روان درمانی

در این زمینه، توصیه‌هایی ارائه شده است؛ از جمله: الف. فرد باید ارتباط معنوی خود را با خداوند زیادتر کند؛ زیرا تمام اسباب و مسببات عالم در دست قدرت اوست و شاید همین مشکلات سبب نزدیک‌تر شدن او به خداوند شود تا از غفلت بیرون بیاید؛ ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ (انعام: ۴۲)

شناخت درمانی چیست؟ اساس بنیادین این نظریه آن است که خلق شما انعکاسی از شیوه تفکر شماست. به عبارت دیگر، خلق شما توسط شناخت‌ها یا افکارتان شکل می‌گیرد. شناخت‌ها به شیوه نگرش شما به دنیای اطرافتان، به تمام تعابیر و تفاسیری که دارید، ادراک‌ها، تصاویر ذهنی، باورها و نگرش‌های شما اطلاق می‌شود.<sup>(۱۶)</sup> بنابراین:

ب. یاد خدا داشتن؛ ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)

ج. در هیچ شرایطی نباید امید به خدا را در حل مشکلات از دست داد؛ زیرا ناامیدی به معنای قطع همه راه‌های حل



مشکلات است؛ «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يِنَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.» (یوسف: ۸۷)

د. توکل به خدا در ستیزها و کشمکشها؛ «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.» (توبه: ۵۱)

و. انسان مؤمن در هر حال، باید از خدا راضی باشد و تمام مشکلات را هدیه‌ای از جانب خداوند بداند. در این صورت، هر قدر فشار زندگی بیشتر شود، کوچک‌ترین تأثیری بر روح بلند او نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من رضى من الله بما قسم له استراح بدنه»؛<sup>(۱۷)</sup> هر کس به آنچه خداوند برایش تقسیم کرده است راضی باشد بدنش احساس راحتی می‌کند. پس هنگامی که انسان افسرده جهان را آزمایشگاه میزان صبر و تحمل خود بداند و توجه کند که این بلاها از هیچ انسانی استثنا نشده است، با امید به خدا و ارتباط از طریق دعا و افزایش معنویت، روحیه از دست‌رفته او باز می‌گردد و روح او توان مقابله و بلکه غلبه بر مشکلات و فشارهای زندگی پیدا خواهد کرد.

### ۵.۳. چگونگی ارتباط افکار با افسردگی

#### ۱.۵.۳. تعمیم بیش از حد

شما چنین می‌اندیشید که چون یک بار حادثه ناگواری برایتان اتفاق افتاده است، این اتفاق همیشه برایتان رخ خواهد داد و به همین دلیل، سرخورده و مأیوس می‌شوید.

#### ۲.۵.۳. شخصی‌سازی

شما خود را در مورد هر حادثه ناخوشایند و منفی تنها فرد مسئول می‌پندارید، در حالی که صحت این نتیجه‌گیری بر دلایل و شواهد کافی استوار نیست.

#### ۳.۵.۳. تفکر به شیوه همه یا هیچ

این مبحث به ارزیابی خود، افراد دیگر و شرایط و اوضاع به نحو افراطی اشاره دارد و در این نگاه، حد وسط وجود ندارد.

#### ۴.۵.۳. استنتاج عجولانه و بی‌اساس

زمانی که شواهد برای نتیجه‌گیری ناکافی است و یا حتی به هیچ وجه شواهدی در دست ندارید، به طور منفی و با عجله نتیجه‌گیری می‌کنید. این عمل را «نتیجه‌گیری عجولانه و بی‌اساس» می‌گویند.

### ۵.۵.۳. فاجعه‌انگاری

ممکن است به خودتان بگویید «اشتباه وحشتناکی مرتکب شده‌ام، چه قدر بد شد! تباه شدم.» در این حالت، احتمالاً چنین اشتباهات و خطاهایی را بیش از حد بزرگ می‌کنید و به طور ناهماهنگی جنبه مثبت رفتار و موفقیت را بی‌ارزش قلمداد می‌کنید. مسئولیت و تقصیرهای خود را زیر ذره‌بین می‌برید و بزرگ جلوه می‌دهید و توانمندی‌های خود را دست‌کم می‌گیرید. این دیدگاه جهت‌گیرانه به کاهش عزت نفس و اعتماد به آن منجر می‌شود.

### ۶.۵.۳. مردود شمردن نکات مثبت

در این نگرش، نه تنها جنبه‌های مثبت اوضاع نادیده گرفته می‌شود و فرد روی جنبه‌های کوچک و منفی تأکید می‌کند، بلکه بیش از آن جنبه‌های مثبت موجود را به صراحت، به منفی تبدیل می‌سازد.

### ۷.۵.۳. باید گفتن‌ها

در این وضعیت، فرد مانند یک کارفرمای سنگ‌دل برای خود و دیگران قوانین خودسرانه، دلخواه و غیرقابل اجرا وضع می‌کند. چنین انتظارات و معیارهایی افراطی با عملکرد روزانه ما انسان‌های عادی مطابقت ندارد و همواره در شخص احساسات نامطلوب و شکست ایجاد خواهد کرد.<sup>(۱۸)</sup>

### ۴. شکاف سنی در ازدواج

یکی دیگر از آسیب‌های خانواده فاصله سنی زیاد میان زن و مرد است. هرچند مردان دوست دارند با زنان جوان‌تر از خود ازدواج کنند، اما به هر حال، وجود مشکلات فرهنگی و اجتماعی بسیاری مانع جدی چنین کاری به شمار می‌آید.

به عقیده برنارد (J. Bernard) بیشترین خرسندی برای زنان هنگامی حاصل می‌شود که با مردی ازدواج کنند که پنج تا شش سال، سالمندتر از ایشان باشد و برای مردان همین خرسندی هنگامی به وجود می‌آید که میان صفر تا ده سال بزرگ‌تر از همسرانشان باشند.<sup>(۱۹)</sup>

در برخی مناطق کشور ما، مردان گاهی با داشتن فاصله بیش از ۴۰ سال از زنان، با آنان ازدواج می‌نمایند و خانواده‌ها صرفاً برای منافع مادی با چنین ازدواج‌هایی موافقت می‌کنند. این امر معمولاً در سطح انسان‌های معمولی موجب بحران و ستیزه‌های خانوادگی می‌شود و کفایتی که در فرهنگ اسلام بر آن تأکید گردیده، نادیده انگاشته می‌شود؛ زیرا روشن است که تمایلات، نیازها و احساسات یک مرد ۶۰ ساله بسیار



متفاوت‌تر از دختر نوجوان ۱۴ ساله است. تفاهم، عشق و محبت چگونه در سایه این ازدواج جامه عمل می‌پوشد و آیا چنین دختری آمال، آرزوها و سعادت خود را در این زندگی مشترک می‌یابد؟

در این خصوص، لازم است سن متناسب ازدواج برای زوجین رعایت شود تا مصالح زندگی زوجین رعایت گردد. این موضوع به سلامت خانواده از لحاظ روحی، جسمی، فرهنگی و اجتماعی کمک شایان توجهی می‌کند.

### ۵. تبدیل خانه به خوابگاه

در جامعه معاصر، زنان بسیاری شاغل هستند، مرد هم برای فراهم نمودن یک زندگی نسبتاً مرفه مجبور به داشتن دو شغل است و فرزندان هم هر یک دنبال مدرسه و دانشگاه هستند. در چنین وضعیتی، خانه کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهد. در زمانی که زن کدبانوی خانه بود و مرد یک شغله بود، فرصتی فراهم می‌شد تا ارتباطات کلامی اعضای خانواده با یکدیگر بیشتر باشد، محبت و روابط صمیمی معنا پیدا

خانه و خانواده در بینش دینی، محیطی گرم و محل تصمیم‌سازی برای آینده زندگی است که اعضا با مشورت یکدیگر بتوانند مشکلات زندگی را بررسی و حل نمایند. ارتباطات کلامی و عاطفی نقش مهمی در این رابطه دارد و شاید تلویزیون و سایر رسانه‌های تصویری مانع جدی وقت‌گیری هستند که نمی‌گذارند اعضای خانواده ارتباط بیشتری با یکدیگر داشته باشند.

### ۶. خشونت خانوادگی

خشونت و برخوردهای قهرآمیز آرامش خانواده را به هم زده است و زنان و کودکان بیشترین قربانیان خشونت هستند. در غرب، جامعه‌شناسان این پدیده را به عنوان یک مسئله اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند. نخستین بار در سال ۱۹۶۲ هنری کمپ در مقاله‌ای به نام «سندرم کودک کتک‌خورده» کودکانی را توصیف کرد که تحت بدرفتاری و خشونت خانوادگی قرار گرفته‌اند. البته نگرش حاکم بر بیشتر جوامع چنین است که خانواده



می‌کرد و پدر فرصت می‌یافت به تربیت فرزندان بپردازد و از وضعیت تحصیلی، دوستان و مشکلات آنان اطلاع کسب نماید و با تجارب ارزشمند خود، فرزندان را راهنمایی کند. اما اکنون مادر خسته از کار برگشته نه حال و حوصله ابراز محبت به فرزندان دارد و نه می‌تواند شوهرداری کند. اینجاست که خانه نقش اصلی خود را از دست می‌دهد و تنها شب هنگام، اعضای خانواده برای خوابیدن، غذا خوردن و تماشای برنامه‌های تلویزیونی گرد یکدیگر جمع می‌شوند و همه اعضا به نوعی مشکلات و دغدغه‌های بیرونی را در روابط با اعضا لحاظ می‌کنند. در چنین شرایطی است که خانواده متزلزل می‌شود و به محیطی سرد و بی‌عاطفه تبدیل می‌گردد؛ محیطی که اعضای آن همیشه با یکدیگر طلب‌کارانه برخورد می‌کنند و هر کس در مسابقه گرفتن حق خود برای رفاه فردی خویش است.

محیطی خصوصی است و دیگران، جامعه و دولت حق دخالت در امور شخصی افراد را ندارند. نگرش چشم‌پوشی از خشونت‌های خانوادگی نیز وجود دارد.<sup>(۲۰)</sup> معمولاً در جوامع پدرسالار، این حق برای پدر محفوظ است که می‌تواند در صورت مشاهده رفتاری که با ارزش و هنجارهای پدر خانواده سازگاری ندارد، کودکان و زنان خود را تنبیه کند تا بدین وسیله، هنجارهای مورد نظر خود را در محیط خانواده با قوت حاکم نماید.

اما ضرب و جرح کودکان و زنان اثرات ناگواری بر شخصیت و عواطف و احساسات آنان بر جای می‌گذارد و کودک را دچار اختلالات روانی کرده، او را با نارسایی در کلام و فکر مواجه می‌سازد و اعتماد به نفس را در او نابود می‌سازد؛ زن را هم از ایفای نقش مادری و همسری دل‌سرد می‌کند. منطق دین در هنگام بروز ناپهنجاری از سوی کودکان و



زن، ابتدا روشنگری، نصیحت و ارشاد است و در نهایت، که هیچ راهی برای هنجارمند کردن آنان وجود نداشته باشد، تنها مقدار اندکی تنبیه برای رفع ضرورت تجویز شده است. برخی کجاندیشان به غلط تصور کرده‌اند تفاوت‌های حقوقی بین مرد و زن نوعی خشونت قانونی تلقی می‌شود که باید در نفی و محو آن تلاش کرد؛ اما باید دانست که چنین تصویری غلط است. تفاوت مالی مرد و زن در ارث و دیه ناشی از عدم مسئولیت زن در تأمین هزینه‌های خانواده و حتی هزینه‌های شخصی خود در نظام اسلامی است. از سوی دیگر، اختلاف زن و مرد در مسئله شهادت و قضاوت نیز ناشی از عاطفی بودن زن، مشکلات ماهانه و زایمان است و علاوه بر این، جواز ضرب و کتک زدن زن، که در برخی آیات و روایات آمده، در شرایط استثنایی و متناسب با وضعیت ویژه‌ای است و به قدر ضرورت تجویز شده است.

#### ۷. اختلال در جامعه‌پذیری و فرایند تربیت

یکی از آسیب‌های جدی خانواده اختلال در فرایند تربیت فرزندان و جامعه‌پذیر کردن آنهاست؛ زیرا در این صورت، فرزندان راه و روش برخورد با دیگران، پدیده‌ها و مشکلات اجتماعی را نمی‌شناسند. بروس کوئن در تعریف «اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری» می‌نویسد: اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان، راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه، توسعه می‌بخشد. چهار هدف عمده برای اجتماعی شدن وجود دارد:

۱. شخص باید مهارت‌های ضروری را، که برای زندگی در جامعه ضروری است، فرا بگیرد.

۲. شخص باید بتواند به صورت مؤثری با دیگران ارتباط برقرار نماید و توانایی خواندن و نوشتن و سخن گفتن پیدا کند.

۳. فرد باید بتواند نیازهای بدنی خود، همچون قضای حاجت را به شیوه‌های قابل قبول جامعه فراگیرد.

۴. فرد باید ارزش‌ها و اعتقادات اساسی جامعه خود را در ذهن متمرکز کند. (۲۱)

بسیاری از جامعه‌شناسان و نیز روان‌کاوان عقیده دارند: ریشه بسیاری از انحرافات شخصیت را باید در پرورش نخستین خانوادگی جست‌وجو کرد؛ زیرا اگر منشأ اغلب کج‌رفتاری‌ها و انواع متنوع بیماری‌های روانی بررسی شود، نقش پرورش خانواده در کیفیت رشد شخصیت آشکار می‌گردد. (۲۲)

هرچند برخی از نقش‌های خانواده مانند «آموزش» به نهادهای دیگری مانند آموزش و پرورش داده شده، اما با این وصف، هنوز هیچ نهاد اجتماعی نتوانسته است در امر تربیت و پرورش انسان‌ها جایگزین خانه و خانواده شود. فرزندان در محیط خانه با هنجارها آشنا می‌شوند و ارزش‌های دینی و اخلاقی را در عمق شخصیت خود نهادینه می‌کنند و هنگامی که وارد مدرسه و دانشگاه و محیط کار می‌شوند، همان سرمایه تربیت و جامعه‌پذیری خانوادگی را با خود به چنین محیط‌هایی می‌آورند.

جامعه‌پذیری یا تربیت فرزندان یکی از وظایف و کارکردهای اصلی خانواده به شمار می‌آید که در روایات مورد تأکید قرار گرفته است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «اكرموا اولادکم واحسنوا آدابهم»؛ (۲۳) به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید.

ایشان همچنین می‌فرماید: «ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبيکم و حب اهل بيته و قرأنة القرآن»؛ (۲۴) فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الغلام یلعب سبع سنين و يتعلم الكتاب سبع سنين و يتعلم الحلال و الحرام سبع سنين»؛ (۲۵) پسر باید هفت سال بازی کند و هفت سال دوم قرآن بیاموزد و هفت سال سوم به آموزش مباحث فقهی و حلال و حرام بپردازد.

با توجه به توصیه‌های جامعه‌شناسان و تأکید نصوص دینی بر ضرورت تربیت صحیح فرزندان، چنانچه خانواده نتواند نقش مهم جامعه‌پذیری و تربیت را برای فرزندان به اجرا درآورد، فرد هنگامی که وارد جامعه می‌شود، نمی‌داند چه راه صحیح و مشروعی را باید در مواجهه با انواع نابهنجاری‌ها و بحران‌های اجتماعی در پیش گیرد و در این صورت است که زمینه‌های انحراف برای او فراهم می‌شود و به سرعت بی‌هنجار و کج‌رو می‌گردد.

نکته قابل توجه اینکه پدر باید نسبت به انحرافات و کج‌روی زن و فرزندانش دارای روحیه «غیرت دینی» باشد. «غیرت» نیروی بازدارنده‌ای است که مرد را در مقابل انحراف اعضای خانواده‌اش حساس می‌کند و اجازه نمی‌دهد از هنجارهای شناخته شده تخلفی صورت گیرد. متأسفانه امروزه تبلیغات رسانه‌ای و ژورنالیستی شدیدی در جهت غیرت‌زدایی در جامعه به کار گرفته می‌شود و پدران نمونه را این‌گونه



معرفی می‌کنند که در امور شخصی و دوست‌گزینی فرزندان دخالتی ندارند و بر رفت و آمد همسر نظارتی نمی‌کنند. روشن است که غیرت‌زدایی راه را برای افتادن فرزندان و همسر در دام فریبکاران و نامحرمان باز می‌کند.

## ۸. ازدواج تحمیلی

امروزه یکی از معضلات اجتماعی ازدواج‌های اجباری و ناخواسته است که حق مشروع و گزینش همسر را از دختران سلب می‌نماید. این آسیب کم و بیش در مناطق گوناگون جهان وجود دارد. سالانه ۴ میلیون زن در جهان خرید و فروش یا مجبور به ازدواج اجباری می‌شوند. بخشی از این ازدواج‌ها مربوط به دوران خردسالی دختران است. بیشتر ازدواج‌های پایین‌تر از ۱۲ سال اجباری و ناخواسته است و معمولاً پس از چند سال به جدایی از همسر یا سایر آسیب‌های فردی و خانوادگی منجر می‌شود. این پدیده شوم منحصر به کشورهای جهان سوم نیست و در کشورهای پیشرفته و صنعتی هم گزارش شده است.

مقصود از «ازدواج اجباری» پیوند زناشویی رسمی است که در آن رضایت و اراده زوجین یا یکی از آنان نادیده انگاشته شود و برای برقراری این پیوند، از انواع فشارهای جسمی و روانی استفاده گردد. در طول تاریخ، انواع متعددی از این پدیده وجود داشته است که زنان را همچون کالا یا وسیله‌ای برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و رفع اختلاف طایفه‌ای و قبیله‌ای مورد استفاده قرار داده‌اند. از جمله این ازدواج‌ها، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. ازدواج ربایشی؛ ۲. ازدواج یغمایی؛ ۳. ازدواج وراثتی؛ ۴. ازدواج از طریق خرید همسر؛ ۵. ازدواج سیاسی؛ ۶. ازدواج مبادله‌ای. (۲۶)

بی‌تردید، علل گوناگونی در بروز این نابهنجاری تأثیر دارد که می‌توان به علل فردی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اشاره کرد. اما به هر حال، باید آثار منفی آن را بر روابط خانوادگی مورد مطالعه قرار داد و آن را به عنوان یک آسیب جدی در نظر گرفت. ازدواجی که باید بر پایه عشق، اخلاق، محبت و درک متقابل شکل گیرد تا بتواند جوانه‌های خوش‌بختی را به همراه آورد، اکراه و اجبار در همسرگزینی این پیوند نامقدس را به صورت یک کابوس وحشتناک درمی‌آورد و زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان را با آسیب‌های جدی مواجه می‌سازد.

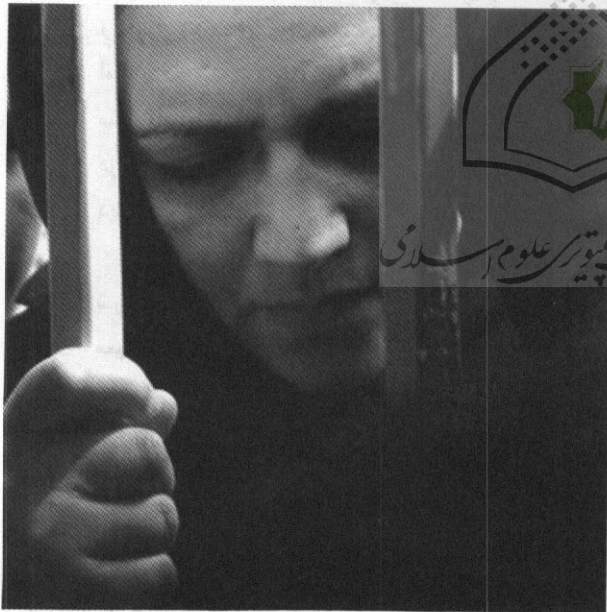
## ۱-۸. آسیب‌های ازدواج تحمیلی

۱. اولین آسیب و عوارض منفی آن متوجه جسم و بدن زن

شده، بر سلامت جسمی او تأثیر منفی بر جای می‌گذارد و موجب اختلال در دستگاه باروری وی و تولد کودکان نارس و عوارض ناشی از آن می‌شود.

۲. دومین آسیب مربوط به اختلالات روحی دختران است. از دست دادن امید به زندگی، فقدان تصویری موفقیت‌آمیز برای زندگی خود و فرزندان یکی دیگر از اختلالات عاطفی و روانی ازدواج‌های تحمیلی به شمار می‌رود. مجموعه این فشارهای روانی ایجاد هرگونه ابتکار، طراوت و نشاط را در محیط خانه برای این دختران از بین می‌برد و خانه را برای آنان به زندانی با میله‌های روانی و نامرئی تبدیل می‌کند و افسردگی، پرخاشگری و دل‌سردی از زندگی را به همراه می‌آورد.

۳. آسیب دیگر مربوط به روابط خانوادگی است که در نتیجه آن می‌توان به سست شدن بنیان خانواده، طلاق، فرار از خانه، سوء ظن، فقدان تفاهم بین زوجین، همسرآزاری، همسرکشی، وجود فرزندان بزهکار، انحطاط اخلاقی و طلاق اشاره کرد.



## ۲-۸. راهکارهای جلوگیری از آسیب‌های ازدواج اجباری

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزش حقوق در زمینه ازدواج، مشاوره خانواده برای دختران و پسرانی که در آستانه ازدواج قرار دارند.
۲. ارتقای آگاهی‌های خانواده در خصوص حقوق دختران و نیز تبعات ناگوار ناشی از چنین پدیده‌ای در پیش‌گیری از ازدواج‌های تحمیلی مؤثر است.
۳. تدوین قوانین مناسب برای حمایت از زنانی که قربانی



ازدواج تحمیلی گردیده‌اند.

۴. ضروری است از طریق آموزش و دانش‌افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان، استقلال‌طلبی و احترام‌به‌انتخاب حق همسرگزینی دختران، از وقوع چنین شرایطی پیش‌گیری شود.

۵. به یقین، رعایت سن مناسب ازدواج یکی از اقدامات قانونی برای کاهش ازدواج اجباری است.

۶. کاهش هزینه‌های زندگی، مهار توژم، اشتغال‌زایی و بهبود ساختار اقتصادی جامعه و حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت که برای تأمین مخارج سنگین زندگی، دختران خود را برای ازدواج با افراد متمول مجبور می‌نمایند.

### ۹. کثرت فرزندان

در نصوص دینی بر داشتن فرزندان متعدد تأکید شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَنْ أَبَاهِي بِكُمِ الْإِمَمُ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ»؛ (۲۷) من در قیامت به کثرت شما بر دیگر امت‌ها مباحثات می‌کنم، هرچند به فرزند سقط‌شده‌ای باشد. خداوند هم می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶)؛ روزی همه موجودات در دست خداست، اما باید دانست که کثرت فرزندان به حکم اولی مطلوب است، مشروط بر اینکه موجب عزت جامعه اسلامی گردد و عدالت در میان آنها رعایت شود و مورد تربیت و آموزش آموزه‌های دینی قرار گیرند.

اما سؤال این است که آیا در شرایط کنونی، چنین شروطی محقق است؟ آیا کثرت مشاغل، دغدغه‌های معیشت، گرفتاری‌های خانوادگی و توژم شدید اجازه رسیدگی شایسته به فرزندان را می‌دهد؟ واقعیت این است که در شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه معاصر، برای کثرت فرزندان مشکلاتی وجود دارد که نمی‌توان آنها را حتی از نظر اسلام در نظر نگرفت. پدری با داشتن فرزندان بسیار، چگونه می‌تواند آنها را با آداب اسلامی و قواعد اخلاقی آشنا سازد؟ پدری که در جامعه امروز مجبور است برای تأمین معیشت خود و اعضای خانواده در دو نوبت مشغول فعالیت اقتصادی شود از تربیت فرزندان و نظارت بر رفتار آنان عاجز می‌ماند و در نتیجه، فرزندی پرورش می‌یابد که نه به صورت صحیح و دینی تربیت شده‌اند و نه از تحصیلات عالی، که معمولاً مستلزم پرداخت هزینه‌های بسیار است، برخوردارند و مهم‌تر از همه، از عواطف گرم و صمیمانه پدر و مادر بی‌بهره‌اند. پس نباید بدون ملاحظه جوانب گوناگون تربیتی، فرهنگی و اجتماعی به تکثیر فرزندان پرداخت. از سوی دیگر، آنچه مورد اشاره قرار گرفت مشکلات

فردی و خانوادگی کثرت فرزندان بود، ولی مشکلات حکومت و نظام سیاسی بسی دشوارتر و پیچیده‌تر است. دولت باید به تأسیس مدارس، راه، ایجاد شغل مناسب و توسعه خدمات اجتماعی از قبیل برق، آب، گاز، مسکن و بیمارستان بپردازد. پس کثرت فرزندان در شرایط جهانی و منطقه‌ای، به ویژه جامعه معاصر، دارای مشکلات و آسیب‌های فراوانی است.

### پی‌نوشت‌ها

1. Socail Pathology.
- ۲- نیکلاس آبر کرامبی و دیگران، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپخش، ۱۳۷۶، ص ۳۵۴.
3. Socail institution.
- ۴- آنتونی گینز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ج دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۷۸۵.
- ۵- جانانان اچ. ترنز، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳.
- ۶- منصور بیرامی، خانواده و آسیب‌شناسی آن، آیدین، ۱۳۷۸، ص ۱۰۶.
- ۷- مصطفی شورکی، رهایی از افسردگی، ارجمند، ۱۳۷۹، ص ۱۳-۱۰.
8. Major depressive disorder.
9. Dysthymic disorder.
- ۱۰- منصور بیرامی، پیشین، ص ۱۰۷.
- ۱۱- مصطفی شورکی، پیشین، ص ۸.
12. Self - esteem.
- ۱۳- جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات اولین همایش نقش دین در بهداشت روان، نشر نوید، ۱۳۷۷، ص ۴۳ و ۴۴.
- ۱۴- مصطفی شورکی، پیشین، ص ۱۴.
15. Cognitive Theraphy.
- ۱۶- ایوی ام. بلاک برن، مقابله با افسردگی و شیوه‌های درمان آن، ترجمه گیتی شمس، تهران، رشد، ۱۳۸۰، ص ۶۳-۶۴.
- ۱۷- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث، ج ۷۱، ص ۱۳۹.
- ۱۸- همان، ص ۶۹-۷۷.
- ۱۹- باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۷۰، ص ۵۳.
- ۲۰- شهلا اعزازی، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶، ص ۱۹۹.
- ۲۱- بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضلی، ج چهارم، تهران، سمت، ۱۳۷۴، ص ۱۰۳-۱۰۴.
- ۲۲- محمدحسین فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، منصوری، ۱۳۷۲، ص ۴۵.
- ۲۳- حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ح ۴۱۰، ص ۴۵.
- ۲۴- همان، ح ۴۰۹، ص ۴۵.
- ۲۵- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۷، ح ۱۲.
- ۲۶- نگارنده، «دختران و ازدواج تحمیلی»، کتاب زنان، ش ۲۴، سال ششم (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۳۳-۳۵.
- ۲۷- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۹۶.